

## درس هایی که می توان از خیزش ژینا، خیزش «ژن ژیان نازادی» آموخت!

در آستانه دو سالگی بزرگترین خیزش مردم، خیزش ژینا علیه رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم. خیزشی که دره و شکاف بین مردم و رژیم فاشیست اسلامی را چنان عمقی بخشید که با هیچ ترفندی پرشده نیست. خیزشی که بر تارک آن، مهر پیشتازی زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری و به مصاف طلبیدن رژیم زن ستیز، حک شده است. هیچ گاه در تاریخ، نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان دیده نشده که زنان این چنین خشمگین و با عزم و اراده، با اعتماد و اتکا به نفس و استوار در راس جنبشی این چنین توده ای قرار گیرند.

خیزش ژینا تبلوری از مبارزه و درد مشترک همه ستمدیدگان بود. این که ژینا یک زن بود و به خاطر حجاب به قتل رسید و این که ژینا یک گرد بود که طعم ستم ملی را به تلخی چشیده بود و این که ژینا جوانی بود که محرومیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوانان را با خود حمل می کرد؛ همه و همه باعث پیوند و درهم آمیخته شدن مبارزه زنان علیه انقیاد و فرودستی، با مبارزه ستمدیدگان ملیت های گوناگون علیه ستم ملی و مبارزه علیه محرومیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوانان در جامعه شود.

در خیزش ژینا زنان از ملیت های تحت ستم، بویژه زنان جسور کردستان با شعار «ژن ژیان نازادی»، توانستند هم جایگاه تعیین کننده خود را در پیشروی جنبش انقلابی زنان برجسته کنند و هم با پیش گذاشتن این شعار برای اولین بار توانستند نام زن را در سراسر جامعه در دل مبارزه فراگیر کنند.

این شعار و همه گیر شدن آن در جامعه توانست حس نزدیکی و وحدت را در بین مردم دامن زند. شعاری که ملیت های تحت ستم بلوچ، کرد، عرب، فارس، افغان و آذری را به یکدیگر نزدیک کرد. بدون تردید فراگیر شدن این شعار ربط مستقیم به مبارزات شکوهمند و پر قدرت زنان علیه حجاب اجباری و به آتش کشیدن آن و نقش پیشقراولی و استواری شان در خیزش ژینا داشت.

قدرت این خیزش توده ای بود که توانست برای اولین بار با شعار «ترنس، کوئیر، رهایی» موضوع ستم بر اقلیت های جنسی / جنسیتی را به شکل گسترده در جامعه طرح کند و ترک های اولیه ای به تفکرات کوئیر ستیز وارد سازد.

در خیزش ژینا، نقش چشم گیر و تعیین کننده ستمدیدگان از ملیت های گوناگون گرد، بلوچ، ترک، عرب و... در مبارزه علیه رژیم، برای دیگر ستمدیدگان در سراسر کشور پررنگ تر شد و به روحیه اتحاد و همبستگی مردم در جامعه دمید.

نقش زنان در خیزش «زن زندگی آزادی» چنان پر قدرت و الهام بخش بود که توانست حمایت و همبستگی زنان از افغانستان تا روزاوا از ترکیه تا ایتالیا و... را به خود جلب کند.

مبارزه جسورانه زنان و همه اقشار و طبقات محروم در خیزش «زن زندگی آزادی» در دل توده های ستمدیده نور امید و امکان تغییر را تاباند و در دل رژیم جمهوری اسلامی و همه مرتجعین ترس و وحشت آفرید.

این که رژیم جمهوری اسلامی در طی خیزش ژینا صد ها نفر حتی نوجوانان دختر و پسر و کودکان را در کوچه و خیابان و زندان به قتل رساند، ده ها نفر را نابینا کرد، هزاران نفر را به زندان انداخت، ده ها نفر از بازداشت شدگان را با شکنجه و تزیق دارو به «خودکشی» رساند، بازداشت و زندانی کردن فعالین حوزه های مختلف مبارزاتی را تسریع کرد، حکم های دراز مدت برای زندانیان سیاسی بویژه زنان صادر کرد، اعدام های وحشیانه را وسعت بخشید، به شدت جنگ علیه زنان افزود و... همه و همه نشان از ضربه مهلک و جبران ناپذیری است که در نتیجه خیزش به نظام وارد شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که در طی چهل و پنج سال گذشته همواره بر پایه سرکوب توانسته خود را بر اریکه قدرت نگاه دارد، در برابر ضربه کاری که به نظامش در خیزش «زن زندگی آزادی» با پیشقراولی زنان وارد شد، برای بقا به جز گسترش وحشیانه تر سرکوب، راهی برایش باقی نمانده است. جمهوری اسلامی به خیال واهی خود می خواهد با شمشیر سرکوبی که از رو بسته است دستاوردهای ماندنی خیزش ژینا را پس بگیرد، از مردم و بویژه از زنان انتقام گرفته و از رخ دادن قیام دیگری جلوگیری نماید. اما مگر سرکوب های خونین در گذشته، به طور مشخص در خیزش دی ۹۶ و کشتار حداقل ۱۵۰۰ نفر در آبان ۹۸، توانست مانع خیزش ژینا شود؟ سرکوب ها نه تنها تضادهای آشتی ناپذیر میان مردم و رژیم را حل نمی کند بلکه به آن حدت و شدت می بخشد.

در شرایط کنونی، انبار باروت خشم و نفرت زنان و همه ستمدیدگان از موقعیت اسفبار اقتصادی و سیاسی، از ستم و استثمار، از نبود آزادی های اجتماعی، از سرکوب های وحشیانه و از اعدام های بی رویه؛ به قدری فشرده و حتی نسبت به دوران خیزش ژینا عمیق تر و گسترده تر شده است که هر آن و هر موضوعی می تواند این انبار باروت را منفجر کند و خیزشی عظیم تر و گسترده تر بیافریند.

بدون شک برای این که بتوان مبارزات و خیزش های توده ای آینده را در مسیر کارساز تر و آماده تری پیش برد، برای این که بتوان از نیروی خود در مقابل نیروی ارتجاع حاکم محافظت کرد، برای این که بتوان ترفندهای سرکوبگرانه رژیم را بیش از پیش خنثی کرد، برای این که بتوان دسیسه های امپریالیست ها و حامیان شان را تا سر حد امکان بی تاثیر کرد، برای این که بتوان نگرشی درست و انقلابی بر تفکر مردم در مبارزات خیابانی ایجاد کرد؛ نیاز مبرمی است که بتوان دستاوردهای خیزش ژینا را بیش از پیش جذب نمود و کمبود ها و موانع اصلی را شناسایی و درس های لازمه را بیرون کشید.

یکی از مهم ترین کمبودهای این خیزش در میان مردم حتی در بین نیروهای مبارز ضد رژیم، این تفکر بغایت انحرافی بود که گویا این جنبش خود بخودی این رسالت را دارد و می تواند که تغییرات بنیادی ایجاد کند و جمهوری اسلامی را سرنگون نماید. در این راستا هم بود که دارو دسته راست افراطی هم چون سلطنت طلب ها و رسانه های شان این طرز تفکر را تبلیغ و تقدیس می کردند و تلاش داشتند خواسته های مردم را در این چارچوب محدود کنند.

واقعیت این است که وجود گسترده اقبال و طبقات ستمدیده و وجود زنان سرکش در خیابان ها، با هر درجه از خود گذشتگی هم که باشد، در مبارزه ای هم چون خیزش «زن زندگی آزادی» نمی تواند خود بخودی عامل تغییرات بنیادی شود. منظور از تغییر بنیادی رفتن یک عده ستمگر و جایگزین شدن آن با یک عده ستمگر دیگر، همان گونه که در سال ۱۳۵۷ انجام گرفت، نیست. تغییر بنیادی تنها می تواند از طریق انقلاب و سرنگونی سیستم ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه داری حاکم و تمامی دم و دستگاه سرکوبگر نظامی آن انجام پذیرد. برای چنین هدفی نیز نیاز حیاتی و تعیین کننده به رهبری انقلابی واقعی است و نه ادعایی. بر همین اساس هم شعار «زن انقلاب رهایی» پیش گذاشته شد تا روشن کند که زنان با انقلاب واقعی است که می توانند در مسیر رهایی از ستم جنسی / جنسیتی گام بردارند.

خیزش «ژن ژیان نازادی» دستاوردهای گوناگونی را از خود بر جای گذاشت، اما یکی از دستاوردها، درجه بالای همبستگی در بین مردم با ستمدیدگان ملیت های تحت ستم در سراسر جامعه به ویژه در بین جوانان و نوجوانان بود. وقتی سرکوبگران رژیم در برابر مبارزات مردم در سقز، سنندج، بوکان، مهاباد و به طور کلی به کردستان وحشیانه حمله کردند و با قساوت تمام، بسیاری را هدف گلوله قرار دادند و کشتند و خیابان ها را خونین کردند و وقتی در زاهدان حمام خون راه انداختند، خیزشگران در سراسر کشور با خشم و نفرت بیشتر و با فریاد کردن شعار هایی هم چون: «از کردستان تا تهران، خونین تمام ایران»، «از زاهدان تا تهران، خونین تمام ایران»، در کنار ملیت های تحت ستم ایستادند. این دستاوردی مهم در برابر ترفند معمول رژیم یعنی: «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود که باید بیش از گذشته تقویت شده و گسترش یابد.

اما آن چه را که می توان یکی از مهم ترین، ماندگار ترین و تاثیر گذار ترین دستاوردهای جنبش «زن زندگی آزادی» خواند و ما بارها روی آن تأکید کردیم، این است که این جنبش، موضوع مبارزه زنان علیه حجاب اجباری با قدمتی بیش از چهار دهه را از حصار موضوعی مربوط به زنان خارج و به موضوعی همگانی بدل کرد. رو آمدن موضوع ستم بر زن با محوریت حجاب اجباری در این خیزش و نقش تعیین کننده زنان بطور سراسری، امری بود که توانست گسست کیفی از مبارزات و خیزش های گذشته که در آن از خواسته های زنان و در مرکز آن مخالفت با حجاب اجباری، هیچ اثری نبود را ایجاد کند.

بدون هیچ تردیدی راه طولانی برای گسست های بیشتر و عمیق تر در راه است. گسست هایی که با انقلاب واقعی در عرصه های گوناگون جامعه و تغییر و تحولات بنیادی در مناسبات اجتماعی و روابط تولیدی می تواند صورت پذیرد و ادامه یابد. علیرغم این که راه درازی در پیش است اما تحول بی سابقه ای که این گسست ایجاد کرد جهشی به پیش است. اهمیت این امر تنها در عرصه تاکتیکی نبود و نیست. مساله مهم این است که پای نیمی از جامعه در میان است. مساله این است که در این خیزش شمار وسیعی ای از زنان بشکل سراسری به میدان مبارزه علیه حجاب اجباری و کل نظام زن ستیز کشیده شدند و این شکل متهورانه مبارزات شان، مردان بویژه جوانان را ترغیب به سهم گرفتن در این مبارزه نمود. این تحول، برای آینده جنبش، برای پیشروی در مسیر صحیح مبارزه علیه کل نظام ستمگرانه و استثمارگرانه جمهوری اسلامی، نقش استراتژیک دارد. در عین این که این خیزش و شعار مرکزی آن اعتماد به نفس عمیق و استراتژیکی به زنان نه تنها در ایران، بلکه در منطقه و جهان بخشید. این دستاورد، دست مایه مهمی برای پیشروی های آینده خواهد بود.

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)

۱۳ شهریور ۱۴۰۳ / ۳ سپتامبر ۲۰۲۴

